

نگارنده در حاشیه آن دو تحقیق، منبعی دیگر را نیز معرفی می‌کند و آن عجایب المخلوقات طوسی (تألیف در میانه‌های قرن ششم) است که حکایت موجود در آن شباهت زیادی به داستان طوطی و بازرگان مولوی دارد. عین حکایت موجود در آن منبع چنین است:

در مثل گویند: طوطی به سبب زبان در حبس گرفتار آمد... و گویند طوطکی را بگرفتند، طوطکی به سر قفس وی آمد. وی را گفت: اگر به هندوستان روی یاران مرا باز پرس و بگو کی تدبیر من چیست؟ آن طوطک پیرید و طوطکان را خبر کرد، کی فلان طوطک محبوس است، می‌گوید: تدبیر من چیست؟ آن همه طوطکان به زیر افتادند و بمردند. آن طوطک باز گردید، وی را خبر کرد کی ایشان را پیغام دادم، همه به زیر افتادند و بمردند. این طوطک که این بشنید فرو افتاد و بمرد. خداوند قفس ویرا دید مرده، بیرون انداخت، وی پیرید و به جانب هندوستان رفت. معنی این است که تا وی گوینده بود محبوس بود، فرج آنگهی یافت کی خاموش شد (طوسی، عجایب، ص ۵۲۹-۵۳۰).

ناگفته نماند که نظامی نیز در بیتی از خسرو و شیرین (ص ۳۶۸) به حکایت مذکور اشارتی کرده است:

ز محنت رست هرکو چشم در بست
بدین تدبیر طوطی از قفس رست

(نظامی، خسرو و شیرین، ۳۶۸)

منابع

- طوسی، محمدبن محمود، عجایب المخلوقات، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
- عطار نیشابوری، محمدبن ابراهیم، اسرارنامه، مقدمه، تصحیح و تعلیقات از: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن، ۱۳۸۶ ش.
- نظامی، الیاس بن یوسف، خسرو و شیرین، تصحیح وحید دستگردی، تهران: زوار، ۱۳۸۵ ش.

منبعی دیگر برای حکایت طوطی و بازرگان

سبیل یاری گل درّه

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بوعلی همدان
yari.soheil@yahoo.com

حکایت طوطی و بازرگان از داستان‌های پرآوازه‌ای است که از دیرباز دست‌مایه شعرا و عرفا بوده و مولوی بیش از هرکسی داستان را پرورش داده و در «کمال صورت و معنی» داد مطلب داده است. طوطی در آن داستان نماد روح محبوس آدمی در سرای دنیا و تن است که آرزوی آن رسیدن به هندوستان عالم معنا و سرای آن‌سری است.

در باره منابع و منشأ این حکایت مثنوی، برخی از محققان به طور مستوفاسخن گفته‌اند، مانند بدیع الزمان فروزانفر در کتاب بی‌نظیر مأخذ قصص و تمثیلات مثنوی و محمدرضا شفیعی کدکنی در تعلیقات اسرارنامه.

شفیعی کدکنی ضمن اشاره به تحقیقات فروزانفر — که مأخذی چون بیتی از دیوان خاقانی و تحفة العراقین، تفسیر ابوالفتح و اسرارنامه عطار نیشابوری را برای آن حکایت بیان داشته‌اند و البته آنچه را که در اسرارنامه آمده به گفته مولانا نزدیک‌تر دانسته است — در حاشیه تحقیقات فروزانفر، چند منبع دیگر را نیز برای حکایت طوطی و بازرگان مولوی و عطار نقل کرده است، کتبی چون معجم السفر حافظ سلفی، نزهة المجالس صفوری و نیز طوطی‌نامه ضیاء نخشبی. شفیعی در ادامه نوشته است:

از آنجا که عطار خود به تمثیل به عنوان یک تمثیل هندی و از زبان حکیم هند اشارت دارد نباید تردید کرد که منشأ داستان از ادبیات کلاسیک هند است... (عطار، اسرارنامه، ص ۳۷۲).

